



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف پول - تعاریف چهارگانه و بررسی آنها

تاریخ: ۱۶ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۵

جلسه: ۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تعریف پول

در ادامه بحث از پول و موضوع شناسی آن به عنوان مقدمه بحث، لازم است تعریفی از پول ارائه دهیم و این بدان جهت مهم است که پول نقش بسیار مهمی در اقتصاد به خصوص اقتصاد مدرن دارد و مخصوصاً در دوران حاضر که اقتصاد مبادله‌ای مبدل به اقتصاد پولی شده، شناخت ماهیت پول به عنوان مهم‌ترین عامل در مسائل مختلف اقتصادی، باید این حقیقت شناخته شود و برخی از ابعاد و اقسام و انواع آن و بعضی از امور مرتبط با این پدیده مشخص شود؛ چون بدون شناخت این امور چه بسا نتوانیم در مورد احکام مختلف آن، نتیجه مطلوب حاصل کنیم.

برای پول تعاریفات متعددی ذکر شده است؛ من اگر بخواهم فهرست تعریفاتی که برای پول ذکر شده بیان کنم، یک فهرست بلندبالایی است:

۱. برخی گفته‌اند پول حق مالکیتی است که مورد قبول همه مردم باشد.

۲. برخی گفته‌اند پول چیزی است که مبین مالیت یک مال بوده و خصوصیات شخصی آن از نظر عرف الغاء شده است.

۳. بعضی پول را عین مالیت مال و مجرد از هر جنبه خصوصی و شخصی مال می‌دانند.

۴. بعضی گفته‌اند پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است.

تعاریف مختلفی برای پول ذکر شده، هم از منظر حقوق دانان و هم از منظر اقتصاددانان، و البته یک تلقی عمومی هم از مفهوم پول وجود دارد؛ یعنی در عرف عام هم پول را به نوعی تعریف می‌کنند. من اینجا عرض کنم که ما چند اصطلاح داریم که لازم است اینها را از هم تفکیک کنیم؛ یکی پول؛ دوم، اسکناس و مسکوک؛ سوم، درآمد؛ چهارم، ثروت. اینها گاهی در بیان‌های غیر تخصصی با هم مخلوط می‌شود؛ پول غیر از درآمد و ثروت است و حتی غیر از اسکناس و مسکوک. مسکوک هم که کم‌کم منسوخ شده، وسیله‌ای برای بخشی از پرداخت‌هاست، لذا اخص از مفهوم پول است. ثروت اعم از مفهوم و واژه پول است، چون شامل تمامی اموال و دارایی‌ها می‌شود؛ البته اینکه ما پول را یک امر اعتباری بدانیم یا حقیقی، در این مسأله اثرگذار است. درآمد در واقع یک متغیری است که هم شامل پول می‌شود و هم شامل کالاهایی که در ازای کار یا فروش کالا و خدمت تحصیل می‌شود. بنابراین پول ضمن اینکه ممکن است عنوان ثروت بر آن اطلاق شود، ممکن است عنوان درآمد بر آن اطلاق شود، ممکن است بر اسکناس صدق کند، اما غیر از اینهاست و عین اینها نیست. مثلاً الان می‌گویند فلانی پولدار است، اینکه می‌گویند پولدار است یعنی ثروت او زیاد است، منظور خصوص پول موضوع بحث ما نیست. بنابراین ما وقتی می‌خواهیم پول

را تعریف کنیم، پول غیر از ثروت، غیر اسکناس، نه اینکه مابین ... غیر از اینها به این معنا که مرادف اینها نیست.

تعاریف چهارگانه پول

پول از چند منظر تعریف شده است:

۱. برخی پول را از منظر حقوقی تعریف کرده و گفته‌اند پول چیزی است که قانون آن را به رسمیت بشناسد، قانون آن را پول بداند.

۲. برخی پول را با توجه به کارکردها و وظایف ذاتی آن معرفی کرده‌اند.

۳. برخی پول را با مصادیقش تعریف کرده‌اند.

۴. بعضی هم پول را با توجه به مقبولیت عامه آن برای اینکه وسیله مبادله قرار می‌گیرد، تعریف کرده‌اند.

مشکل عمومی تعاریف چهارگانه

این تعاریف‌ها هر کدام یک مشکلاتی دارد؛ آنچه که در این تعاریف‌ها به عنوان یک مشکل اساسی به چشم می‌خورد، این است که هیچ کدام در صدد بیان ماهیت پول و حقیقت این پدیده نیستند. همه شما می‌دانید که تعریف یک شیء به آثار، لوازم و مصادیق، هیچ‌گاه مبین ماهیت آن نیست. حالا این دو سه تعریف را اجمالاً توضیح می‌دهم تا ببینیم بالاخره برای تعریف پول چه راهی را انتخاب کنیم.

بررسی تعریف اول

تعریف قانونی و حقوقی خیلی مورد توجه قرار نگرفت؛ چون هیچ تأثیری در حوزه اقتصاد نداشت. این برای دعاوی و نزاع‌ها و برخی ادعاها می‌تواند مفید باشد، اما به عنوان یک واقعیت اقتصادی کمکی به ما نمی‌کند که این پدیده چیست و ذاتیات آن کدام است. بر همین اساس، نوعاً رو به تعاریف دیگر آورده‌اند.

بررسی تعریف دوم

بعضی گفته‌اند که پول چیزی است که این سه وظیفه و مأموریت را دنبال کند و بتواند این وظایف را به سرانجام برساند. اشاره کردند به کارکردها و وظایف پول؛ اگر به خاطر داشته باشید در بحث رمزارزها اشاره‌ای داشتیم به وظایف پول و گفتیم درباره وظایف پول امور مختلفی ذکر شده است؛ چند وظیفه را نام بردیم. این وظایف اجمالاً این بود:

۱. یکی اینکه وسیله مبادله و داد و ستد است؛ یعنی برای اینکه چیزی را دریافت کنند و بخرند، این را می‌پردازند؛ این یک وسیله‌ای است برای مبادله و داد و ستد. حالا اینکه این وظیفه بر کدام یک از انواع پول صدق می‌کند، آیا بر همه صدق می‌کند یا برخی، ما فعلاً در مقام بیان آن نیستیم.

۲. وظیفه دوم، معیار سنجش ارزش است؛ یعنی این یک معیاری است که با آن ارزش هر چیزی را می‌سنجند؛ الان هر چیزی و هر کالایی و هر خدمتی را وقتی می‌خواهند ارزش‌گذاری کنند، آن را با پول ارزش‌گذاری می‌کنند؛ این زمین فلان مقدار می‌ارزد، این خانه و این ماشین و این کار، خدماتی که انجام می‌شود، همه با یک معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد. پس یکی از وظایف اصلی پول این است که معیار سنجش ارزش است یا به تعبیر برخی ارزش استاندارد. این ممکن است با اسکناس باشد، ممکن است با دینار و درهم و قبل از آن مثلاً با کالاها و آن چیزهایی که به عنوان پول و معیار تلقی می‌شد.

۳. وظیفه سومی که برای پول ذکر کردند، ذخیره ارزش است؛ منظور از ذخیره ارزش یعنی اینکه نگهداری و حفظ و ذخیره آن

به عنوان ذخیره یک شیء با ارزش تلقی می‌شود. کسی که مثلاً یک مقدار پول را در جایی پس‌انداز و نگهداری می‌کند، در حقیقت دارد یک ارزشی را ذخیره می‌کند. در گذشته هم مثلاً فرض بفرمایید بعضی از کالاها این چنین بودند اما علت اینکه کم‌کم اثرگذاری خودشان را از دست دادند، این بود که اینها فاسد می‌شدند و نگهداری آنها مشکل بود، لذا بعد از یک مدت دیگر نمی‌توانستند ذخیره ارزش باشند. مثلاً یک گوسفند بالاخره یک مدتی می‌ماند یا از بین می‌رفت یا فاسد می‌شد یا به هر دلیل عمر این ذخیره کوتاه بود؛ اما پول‌های امروزی خودشان ذخیره ارزش محسوب می‌شوند و آن مشکلات و گرفتاری‌ها را ندارند. اینکه ما می‌گوییم، قابل انطباق بر پول کالایی، پول فلزی، پول کاغذی، بر همه اینها هست؛ منتهی از حیث دوام و ماندگاری، تفاوت‌هایی بین اینها وجود دارد.

این سه وظیفه و کارکرد، نوعاً مطرح شده است؛ چند وظیفه دیگر هم توسط برخی مطرح شده که اگر خاطرتان باشد، اینها را برگردانیم به همین سه کارکرد و گفتیم اینها معیار یا کارکرد مستقلی محسوب نمی‌شود. مثلاً بعضی‌ها گفته‌اند که یکی از کارکردهای پول این است که وسیله پرداخت‌های آتی است؛ یعنی اگر فرض بفرمایید کسی الان چیزی را می‌خرد، می‌تواند در آینده ثمن آن را بپردازد، و پول این مأموریت را به عهده می‌گیرد که وسیله پرداخت‌های آینده است. یا مثلاً برخی گفته‌اند یکی از کارکردهای پول این است که وسیله ابراء ذمه در غیر مثلیات است.

اما به نظر ما این دو وظیفه اخیر کارکرد مستقلی برای پول محسوب نمی‌شوند؛ وسیله ابراء ذمه در غیر مثلیات، چرا به عنوان کارکرد تلقی می‌شود؟ چرا به عنوان یک وظیفه بیان شده است؟ اگر یک چیزی قیمی بود و کسی آن را تلف کرد و ذمه او مشغول شد به قیمت یک چیزی که قیمی است، مثل گوسفند، چگونه می‌تواند ذمه‌اش را از این کالای قیمی فارغ کند و خودش را از این ذمه خلاص کند؟ با پول می‌تواند این کار را بکند؛ هر چیزی که بتواند ذمه کسی را که به یک غیر مثلی مشغول شده ابراء کند، این پول است؛ حالا می‌خواهد طلا یا نقره باشد یا کالای دیگر یا همین پول کاغذی باشد. ابراء ذمه در مثلیات معلوم است؛ کسی یک چیزی را که مثلی است تلف کند، ابراء ذمه او به اعطای مثل است. اما ابراء ذمه در قیمیات، با هر چیزی که انجام شود اسمش پول است. پس یکی از کارکردهای پول این است که مبرء ذمه در قیمیات است. این هم یک کارکرد مستقلی محسوب نمی‌شود؛ برای اینکه علت ابراء ذمه در قیمیات، آن ارزشی است که پول دارد؛ یعنی چون معیار ارزش است می‌تواند در غیر مثلیات مبرء ذمه باشد. پس این هم یک کارکرد مستقلی نیست. عمدتاً همان سه کارکرد را اقتصاددانان ذکر کرده‌اند: یکی وسیله داد و ستد و مبادله؛ دوم، معیار ارزش؛ سوم، ذخیره ارزش. به نظر ما این سه مورد را هم می‌توان به دو مورد برگرداند؛ یعنی عمده کارکردها و وظایف پول، این دو تا است؛ وسیله مبادله است، دوم اینکه معیار ارزش. ذخیره ارزش هم به این معیار ارزش بودن برمی‌گردد؛ شما چرا می‌گویید یکی از کارکردهای پول ذخیره ارزش است؟ چون پول معیار ارزش است، پول وسیله‌ای است برای ارزش‌گذاری. اگر کسی این را یکجا نگه دارد، این می‌شود ذخیره؛ آیا این می‌تواند یک امر مستقل و کارکرد و وظیفه جداگانه‌ای برای پول تلقی شود؟ لذا ما گفتیم به حسب نظر دقی، کارکردهای پول این دو وظیفه است. البته اگر بخواهیم بعضی حیثیات را از هم تفکیک کنیم، ممکن است بتوانیم این کارکرد سوم را هم ذکر کنیم ولی ضرورتی برای آن نیست؛ به نظر من اگر همین دو تا به عنوان کارکردهای پول ذکر شود کفایت می‌کند.

به هر حال بعضی گفته‌اند پول یعنی چیزی که بتواند این سه وظیفه را انجام بدهد؛ پول چیزی است که وسیله مبادله باشد و

معیار ارزش یا معیار سنجش ارزش، و ذخیره ارزش باشد. اما این تعریف، تعریف به وظایف و کارکردهاست؛ طبیعتاً یک مشکل اصلی این تعریف آن است که تعریف ماهیت پول و مبین اجزاء مقوم پول نیست. اگر ما بخواهیم این تعریف را بپذیریم، یعنی تعریف شیء به آثارش، تعریف به لوازمش؛ این تعریف خود شیء نیست. بالاخره ما می‌خواهیم ببینیم خود پول چیست؛ چه اتفاقی می‌افتد که یک چیزی پول می‌شود؟ اینکه یک چیزی وظیفه‌اش می‌شود وسیله و ابزار مبادله، پول را با این کارکردها معرفی می‌کنیم، سؤال این است که چه اتفاقی افتاده که این شیء، این سه وظیفه را عهده‌دار شده است؟ اینها همه ناشی از ماهیت و حقیقت است؛ چرا یک چیزی این مأموریت و وظیفه را به عهده می‌گیرد و یک چیز دیگر این وظیفه را به عهده نمی‌گیرد؛ بالاخره باید یک فرقی بین اینها باشد؛ این مأموریت‌ها و کارکردها و وظایف از یک چیزی ناشی شده است. پس این تعریف نمی‌تواند مقبول باشد، با اینکه خیلی هم مورد توجه است؛ شاید در میان تعاریفی که برای پول ذکر شده، یکی از رایج‌ترین و شایع‌ترین تعاریف، همین تعریف باشد.

بررسی تعریف سوم

تعریف سوم، تعریف پول به اعتبار مصادیق آن است، مثل اینکه از شما سؤال کنند که حیوان چیست؛ می‌گویید بقر، غنم، فیل، عصفور و امثال اینها. مصادیق پول در طول زمان متغیر بوده؛ گاهی برخی کالاها مصداق پول بودند، گاهی طلا و نقره و دینار و درهم مصداق پول واقع شدند؛ بعد از آن اسکناس یا مسکوکات؛ بعد از آن، پول‌های الکترونیکی و امثال اینها؛ اگر رمز ارز را هم پول به حساب بیاوریم، کسی در مقام تعریف پول بگوید پول عبارت است از این، این و این، و چند مصداق را ذکر کند. این تعریف هم مبتلا به اشکال تعریف شیء به غیر اجزاء تشکیل دهنده آن است؛ تعریف شیء به غیر ذاتیات، تعریف شیء به مصادیق نمی‌تواند مبین ماهیت پول باشد. به علاوه، مشکل دیگری که اینجا وجود دارد، دگرگونی‌ها و تغییراتی است که در مصادیق پول در طول زمان به وجود آمده است؛ این مصادیق گاهی اساساً کنار هم قرار دادنش کار مشکلی است. شما الان پول الکترونیکی را کنار دینار و درهم بگذارید یا پول کالایی که در گذشته رایج بوده، این همان مشکل را دارد و نمی‌تواند مبین حقیقت پول باشد؛ مخصوصاً اینکه ما یک اموری داریم تحت عنوان شبه پول. الان یک حقیقت و واقعیتی تحت عنوان شبه پول شکل گرفته که شاید با مسامحه بتوانیم بگوییم همان نقدینگی است. نقدینگی - که بعداً توضیح خواهیم داد - هم شبیه پول است؛ یا پول تحریری، اینها فی الواقع یک سری اعداد و ارقام هستند. آیا این شبه پول یا نقدینگی، در زمره مصادیق پول می‌گنجد؟ آیا می‌توانیم بگوییم پول عبارت است از اسکناس و مسکوکات و سپرده‌های دیداری، همینطور یک به یک این مصادیق را برای پول ذکر کنیم؟ این یک مقدار کار را مشکل می‌کند و یک دارایی‌های مالی جدیدی پدید آمده که واقعاً اطلاق پول بر آنها خالی از اشکال نیست. لذا همه اینها باعث شده که به دنبال یک تعریف بهتر و جامع‌تر باشند.

بررسی تعریف چهارم

برخی تعاریف فقط به دو جنبه پول پرداخته‌اند: یکی کارکرد آن و دیگری شیوع و مقبولیت عامه آن؛ گفته‌اند پول چیزی است که وسیله مبادله است و مقبولیت عامه دارد. یعنی به یک کارکرد از کارکردهای آن اشاره کرده‌اند و در عین حال به آن جهت پذیرش عمومی توجه کرده‌اند؛ مقبولیت عامه داشتن و وسیله مبادله بودن؛ آن دو کارکرد دیگر را نگفته‌اند. این شاید یکی از عام‌ترین تعاریفی باشد که برای پول ذکر کرده‌اند. حالا این را باید توجه داشته باشید که اصولاً پول تا پذیرش عمومی نسبت به آن نباشد، پول نیست. پول چیزی است که یک پذیرش عمومی و مقبولیت عامه نسبت به آن شکل گرفته باشد؛ لذا برخی که در

پول بودن رمز ارزها اشکال می‌کنند، می‌گویند رمزارزها هنوز به این پایه نرسیده‌اند و مقبولیت عامه پیدا نکرده‌اند و این یک عنصر مقوم پول محسوب می‌شود.

تعریف اخیر هم خالی از اشکال نیست، باز به آثار و لوازم تعریف شده؛ در این تعریف به اجزاء ذاتی پول پرداخته نشده، مقومات آن ذکر نشده و عناصری مورد توجه قرار گرفته که به عنوان آثار و لوازم محسوب می‌شوند. حالا چه باید کنیم؟

«والحمد لله رب العالمین»